



اثرات مفید و مخرب غیررسمی بودن اقتصاد

عنوان اقتصاد غیررسمی فراتر از اقتصاد زیرزمینی است که ماهیت آنها نوعاً توأم با فعالیت‌های غیرقانونی است. دسته اخیر از فعالیت‌ها طیف بسیار گسترده‌ای از فرار مالیاتی تا تجارت انسان برای استفاده از نیروی کار ارزان، تجارت اعضای بدن انسان در شبکه‌های جرم و جنایت، تجارت روسپیگری تا تجارت مواد مخدر، تجارت اسلحه، و فعالیت‌های مافیایی را شامل می‌شود. فعالیت‌هایی که در قلمرو اقتصاد غیررسمی صورت می‌گیرند ممکن است غیرقانونی، و بنابراین زیر زمینی، نباشند اما در خارج از قلمرو قوانین و مقررات قانونی به طور آشکار و ظاهر در حیات اقتصادی یک جامعه حضور دارند. از جمله این مشاغل در اقتصاد کشور ما می‌توان به انواع مختلف دستفروشی در حاشیه خیابان‌ها، کارگران ساختمانی، مسافرکشی، و از این قبیل اشاره کرد. این دسته از فعالیت‌های اقتصادی بیشتر در اقتصادهای کشورهای در حال توسعه و محروم حضور گسترده‌ای دارند. هر چه گسیختگی انضباط اجتماعی در یک جامعه بیشتر باشد حضور اقتصاد غیررسمی به این معنا بیشتر و گسترده‌تر است. ماهیت مشترک این دسته از مشاغل این است که مالیات نمی‌پردازند. مطالعات بر حسب آمارهای رسمی کشور در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد ۵۲ درصد از مشاغل در ایران را مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند که یکی از نشانه‌های بیماری مزمن در اقتصاد کشور است که به نوبه خود تبعات و پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد و جامعه در پی دارد. روند فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی در کشور در سال‌های بعد حکایت از گسترش این بخش از فعالیت‌های اقتصادی در کشور دارند.

دسته دیگر از اقتصادهای غیررسمی شامل فعالیت‌های غیرقانونی هستند که فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، شامل فعالیت‌های اقتصاد سایه، را شامل می‌شوند. این دسته از فعالیت‌های اقتصادی واقعیت‌های زندگی در سراسر جهان از جمله کشورهای صنعتی هستند. عمده کشورها کوشیده‌اند این فعالیت‌ها را با استفاده از طیفی از اقدامات از آموزش تا تعزیر و پیگرد قانونی کنترل کنند. مشکل جمع‌آوری اطلاعات و آمار این فعالیت‌ها به دلیل ماهیت این فعالیت‌ها سبب می‌شود اتخاذ تصمیمات سیاستی موثر و کارآمد برای مقابله با آنها بسیار مشکل و پیچیده باشد. گسترش بیکاری، فقر و نابرابری در جامعه همراه با ضعف دستگاه قضایی و نهادهنده شدن نظام تصمیم‌گیری به تبعیض، بستر مناسبی برای رشد اقتصاد آلوده به جرم و جنایت فراهم می‌آوردن بنابراین رشد این شکل از اقتصاد را تسهیل می‌کنند. شکل‌گیری الیگارش‌ی نتیجه رشد اقتصاد زیرزمینی آلوده به تبعیهاری است، که شکلی از ساختار قدرت است که در آن قدرت عملاً در اختیار گروه قلیلی از جامعه قرار می‌گیرد و ویژگی آن در انحصار درآوردن امتیازهای اقتصادی، ثروت، حاکمیت روابط خانوادگی، یا کنترل نظامی است. نمونه حضور گسترده این بخش از اقتصاد را در شکل کلاسیک آن در مافیای ایتالیا و نمونه جدیدتر آن الیگارش‌ی روسیه می‌توان یافت.

از دهه ۱۹۷۰ بحث درباره بخش‌های غیررسمی در هر دو گروه اقتصادهای کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و در حال توسعه پیوسته مورد توجه بوده است. روش‌شناسی‌هایی برای اندازه‌گیری اندازه بخش غیررسمی در اقتصادهای مختلف ارائه شده‌اند. در سال ۱۹۷۰ کیت هارت مردم‌شناس اقتصادی اولین بار واژه «غیررسمی بودن» را برای معاملات و دادوستدهای فعالان اقتصادی خرده‌پا در کشور آفریقایی غنا به کار برد. یکی از دلایل اطلاق صفت «غیررسمی» به اقتصاد این است که بخشی از نیروی کار خارج از مقررات دولتی فعالیت می‌کنند. آنها مقررات رسمی را نادیده می‌گیرند یا آنها را نقض می‌کنند. غیررسمی بودن، رفتارهای اقتصادی‌ای را در بر می‌گیرد که ذاتاً غیرقانونی نیستند اما در خارج از قلمرو مقررات رسمی حکومتی انجام می‌گیرند؛ ضمناً حوزه‌ای را تشکیل می‌دهند که در آن بازیگران اقتصادی-اعم از کارفرمایان و نیز کارگران – قوانین و مقررات دولتی را دور می‌زنند.

طیفی از اختلاف نظرهاي محققان درباره اثرات مفید و مخرب غیررسمی بودن اقتصاد مطرح شده است. در دهه ۱۹۸۰ گروهی از اقتصاددانان معتقد بودند غیررسمی بودن بخشی از نتایج رشد سرمایه‌داری است وقتی – صنعت قادر نباشد تقاضای کافی برای عرضه موجود نیروی کار ایجاد کند، و ۲- دولت‌ها مایل نباشند یا ناتوان باشند از اینکه مقرراتی را برای حمایت از کارگران به اجرا درآورند، رفتار و عملکرد کارفرمایان را تحت انضباط در آورند، و از هر یک از اینها درآمد مالیاتی کسب کنند.

به این ترتیب غیررسمی بودن به مثابه یک اثر نوگرایی و محصول فرعی صنعتی شدن

ناقص یا ناکافی ارزیابی می‌شد. در کشورهای صنعتی در قرن نوزدهم رشد سریع شدن

یا دو شهر همراه با مکانیزه شدن کشاورزی منجر به نرخ‌های سریع مهاجرت از روستا به شهر شد. روستاییانی که در اثر وسوسه وعده فرصت در شهر و یافتن کار در بخش

رسمی از روستا به شهر مهاجرت کردند در نهایت به مشاغل غیررسمی در خانه، در کارخانه‌های مونتاژ یا خیابان‌ها رضایت دادند. در تفسیر علت بروز بخش غیررسمی

در اقتصاد رابطه بین سرمایه و نیروی کار نقش محوری گرفت. تفسیرهایی مربوط به واکنش‌های کار خارج از حیطه مقررات را می‌توان به دو اردوگاه تقسیم‌بندی کرد.

گروه‌هایی همچون سازمان بین‌المللی کار، غیررسمی بودن را به صورت یک شیوه کم‌هزینه خلق شغل از طریق شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کوچک و خویش‌فرمای ارزیابی می‌کردند. اقتصاددان اهل پرو بره‌ناندس دوسوتو موضع مشابه اما افراطی‌ای را در کتاب مسیر دیگر (۱۹۸۰) اتخاذ کرد. او در آنجا دولت «سوداگر» را مانع هیولایی برای تیره‌وشمی و فراسدت اقتصادی معرفی می‌کند. از نظر او اگر مداخلات دولت نبود حتی یک دستفروش محقر خیابانی می‌توانست قابلیت فوق‌العاده‌ای برای کارآفرینی از خود بروز دهد. دوسوتو معتقد است اقتصاد غیررسمی به عنوان موتور توسعه مورد غفلت قرار گرفته است. طبق نظر او، محدودیت‌های چندگانه و وقفه‌های زمانی ناشی از کاغذبازی و مراحل دست و پاگیر اداری، استقلال و اعتماد به نفس افراد را از بین می‌برند.

اردوگاه دوم مربوط به مارکسیست‌ها و نومارکسیست‌هاست که بر خلاف اردوگاه نخست معتقدند «کارآفرینان» در بخش غیررسمی در حقیقت «کارگران نقابدار» هستند که از طریق مسیرهای غیرمستقیم استثمار می‌شوند. در این چشم‌انداز شکاف بین آنچه کارگر خویش‌فرما یا کارآفرین خرده‌پا نامیده می‌شوند با شرایط واقعی آنها – که در حقیقت پرولتره‌ای هستند که ثروتی جز نیروی زابوی خود ندارند- منجر به چندپارگی آگاهی طبقاتی و یک ناتوانی در حضور سیاسی می‌شود. وقتی مردم در پی یافتن قوت روزانه خود و خانواده بدون هیچ‌گونه حمایتی از جانب دولت یا اتحادیه‌های کارگری، ناگزیر به بدترین اشکال استثمار تن می‌دهند، خود مانع از آگاهی‌های عمومی نسبت به منافع مشترک خود می‌شوند. کارگران غیررسمی تأثیری مشابه نقش برهم‌زنندگان اعتصابات کارگری توسط آن دسته از کارگرانی دارند که به اعتصاب نمی‌پیوندند و اقدامات آنها همبستگی جمعی را تضعیف می‌کند.

نکته‌ای که در هر دو تحلیل به طور عجیب و غریب دوسوتو و مارکسیست‌ها و

نومارکسیست‌ها مغفول مانده است شواهد متقاعدکننده‌ای هستند که بر نقش دولت و فعالیت‌گرایی عامه‌پسند در حفظ بخش غیررسمی اقتصاد وجود دارند. آنچه مانع

درک آنها شده، این است که این دولت است که در اقدامات و رویه‌ها، کارگزاری‌ها و

بنگاه‌ها، ادارات، و واحدهای متنوع و متعددی که دارد شرایطی را برای بسط و انقباض

اقتصاد غیررسمی خلق می‌کند. بدون قوانین رسمی‌ای که رابطه بین کارفرماها و

کارگران را تعریف می‌کنند، اقتصاد غیررسمی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به عبارت

دیگر، رسمی بودن به تولید غیررسمی بودن منجر می‌شود.



۱۲ سایه‌های شهر

گزارشی از فعالیت کارت پخش‌کن‌های پایتخت

تنها ۲۵۰ هزار تومان برای ۱۲ ساعت کار سرپایی

◀ **مریم بابایی**

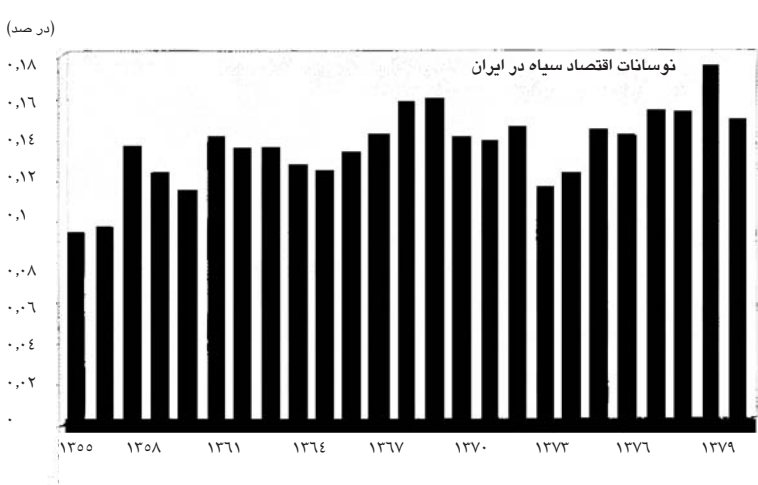
اگر مسیرتان خیابان‌های پررفت و آمد اطراف انقلاب یا ونک باشد که راه رفتن مردم در پیاده‌روها درست مثل ایستگاه‌های مترو بیشتر شبیه دیدن است، ممکن است دل پری از دست تراکت پخش‌کن‌هایی که به فاصله هر ۲۰ متر از هم ایستاده‌اند، داشته باشید. چون درست موقعی که عجله دارید و از ازدحام پیاده‌روها و بوق ماشین‌ها کلافه‌اید و تنها به دنبال راهی می‌گردید که از بین سیل عظیم آدم‌ها در پیاده‌رو رد شوید و به فلان اتوبوس یا تاکسی برسید، مرتب یک دست با کاغذی در آن سد راهتان می‌شود. هر چند زیاد طول نمی‌کشد اما انگار ساعت‌ها در ترافیک یا صف مترو و اتوبوس و تاکسی بودن را فراموش می‌کنید و دل‌تان می‌خواهد به خاطر همان چند لحظه تاخیر تلافی همه چیز را سر آن تراکت پخش‌کن بیچاره دربیارید که تنها منتظر است ساعت کاری‌اش پر شود. بعضی وقت‌ها هم اینقدر بی‌تفاوت از کنار آنها رد می‌شویم که حتی فرصت نمی‌کنیم نگاهی به چهره آنها که اغلب جوان یا نوجوان هستند، بیندازیم. البته برای آنها هم که بیشتر اوقات خودشان از چیزی که برای آن تبلیغ می‌کنند خبر ندارند، زیاد فرقی نمی‌کند کاغذی را که به سمت شما دراز کرده‌اند، بگیرد یا نه. حتی برایشان فرقی نمی‌کند که آن را چند قدم آن طرف‌تر مجاله کنید و روی زمین بیندازید. تنها دستمزد ناچیز روزانه است که انگیزه تحمل ساعت‌ها کار روتین و پس‌زدن‌های مردم را به آنها می‌دهد. اما شاید اگر هر یک از ما می‌دانستیم در پس کارِ که خیلی وقت‌ها از بیهوده به نظر رسیدنش عصبی می‌شویم چه چیزی است و مشکلاتی وجود دارد، دیگر با بی‌تفاوتی دست آنها را پس نمی‌زدیم. این روزها پخش و توزیع تراکت‌های تبلیغاتی و آموزشی مختلف تبدیل به یکی از راه‌های معمول کسب درآمد برای بسیاری از افراد بیکار پایتخت حتی جوانان محصل و دانشجویی شده که هنوز مدرک دانشگاه یا کارت پایان خدمت‌شان را نگرفته‌اند جست‌وجوی طولانی برای پیدا کردن کار، فشار بیکاری، هزینه‌های بالای زندگی و… باعث شده آنها از ابتدایی‌ترین حق و حقوق یک کارگر که حداقل دستمزد ماهانه و بیمه است، چشم‌پوشی کنند و به تنها چیزی که فکر کنند پیدا کردن شغلی باشد که آنها را از بیکاری نجات دهد؛ حتی اگر این شغل، شغلی باشد که زحمت و تحمل ساعات طولانی آن با اندک حقوقی که می‌گیرند، جور درنیاید، یعنی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار در روز در ازای ساعتی ۱۵۰۰-۱۰۰۰ تومان که در نهایت می‌شود دستمزد روزانه ۱۰ تا ۱۵ هزار تومانی یا به عبارتی حقوق ماهانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومانی بدون هیچ مزایای دیگری.

◻ **نتایج یک پژوهش**

اقتصاد زیرزمینی و تاثیر آن بر اقتصاد ملی

در مقاله‌ای که توسط علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش تهیه شده است، ضمن برشمردن روش‌های مختلف سنجش حجم اقتصاد زیرزمینی، با استفاده از روش رگرسیونی تقاضای پول به بررسی این پدیده طی سال‌های ۱۳۷۹ – ۱۳۵۵ پرداخته شده است.

در الگوهای تخمین زده‌شده، متغیرهای بار مالیاتی، بار ارزی، شاخص مواد مخدر، نرخ متوسط تعرفه و مابه‌التفاوت نرخ ارز به عنوان عوامل شکل‌گیری و تحول اقتصاد سیاه در ایران و متغیرهای تقاضا برای اسکناس و مسکوک و تقاضا برای پول به عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد سیاه به کار رفته‌اند. برآورد حجم اقتصاد سیاه در ایران با استفاده از الگوهای منتخب نشان می‌دهد این بخش از عملکرد عمومی اقتصاد کشور پس از طی و آرش جمال‌منش تهیه شده است، ضمن برشمردن روش‌های مختلف سنجش حجم اقتصاد زیرزمینی، با استفاده از روش رگرسیونی تقاضای پول به بررسی این پدیده طی سال‌های ۱۳۷۹ – ۱۳۵۵ پرداخته شده است.



سال پنجم ■ شماره ۱۰۹۵ ■ دوشنبه ۳ آبان ۱۳۸۹

■

■ روزنامه

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■

■



می‌پرسم شروع به گریه کردن می‌کند. می‌گوید برای رسیدن به محل کارش از هفت صبح از یکی از محله‌های جنوبی راه افتاده تا توانسته حدود ۱۱ صبح برسد. ۱۰ ساعت باید کار کند و بابت آن تنها روزی ۱۱ هزار تومان می‌گیرد.

این موارد تنها نمونه‌ای از هزاران نفری است که در گوشه و کنار پایتخت در ازای دستمزدی ناچیز مشغول به سخت‌ترین کارها هستند؛ شغل‌هایی که به مرور زمان نه‌تنها انرژی و توان آنها را از لحاظ جسمی تحلیل می‌برد بلکه به گفته روانشناسان اجتماعی با تحمیل شدن ویژگی‌های انزوائی اجتماعی به آنها به دلیل بی‌بهره بودن‌شان از ساده‌ترین حقوق یک کارگر معمولی مثل بیمه، عیدی، حداقل حقوق و… روز به روز آنها را

شغل‌هایی که به مرور زمان نه‌تنها انرژی و توان آنها را از لحاظ جسمی تحلیل می‌برد بلکه به گفته روانشناسان اجتماعی با تحمیل شدن ویژگی‌های انزوائی اجتماعی به آنها به دلیل بی‌بهره بودن‌شان از ساده‌ترین حقوق یک کارگر معمولی مثل بیمه، عیدی، حداقل حقوق و… روز به روز آنها را شغل‌هایی که به مرور زمان نه‌تنها انرژی و توان آنها را از لحاظ جسمی تحلیل می‌